



زمان؛ کمیاب‌ترین منبعی است که افراد در اختیار دارند!

در وبلاگی به نشانی <http://modirestan.mihanblog.com> آمده است:

یکی از مهم‌ترین الگوهای رفتاری که باید در کسب آن تلاش نمود، نحوه‌ی استفاده‌ی مؤثر از زمان و گذر عمر می‌باشد؛ چراکه تنها منبعی را که نمی‌توان ذخیره کرد، زمان است و تنها کاری که در این مورد می‌توان انجام داد، آن است که باید نهایت استفاده را از زمان برد؛ بنابراین زمان، کمیاب‌ترین منبعی است که افراد در اختیار دارند و هرگز نباید هدر رود.

و از آن‌جا که مهم‌ترین و گران‌بهارترین دارایی یک جامعه، منابع انسانی آن جامعه است و گران‌بهارترین دارایی این انسان‌ها نیز زمان بسیار کوتاهی است که در طول زندگی در اختیار دارند، بنابراین زمان، جزو نادرترین منابعی است که چنان‌چه به‌درستی مورد استفاده قرارگیرد، تغییرات و تحولات به‌موقع را در تمام ابعاد زندگی افراد و به‌تبع آن، در جامعه به‌وجود می‌آورد.

رؤیاهای، نقشه‌ها و فهرست برنامه‌هایت، جملگی تمام خواهد شد!

در وبلاگی به نشانی <http://moon.blogfa.com> آمده است:

- پیروزی‌ها و شکست‌هایی که روزگاری بسیار مهم به‌نظر می‌رسیدند، رنگ خواهند باخت و به‌تدریج محو خواهند شد. اهمیت نخواهد داشت که از کدام مکان آمده‌ای یا در کدام سمت جاده زندگی می‌کردی؛
- آن‌چه اهمیت دارد، چیزی نیست که آن را خریداری کنی، بلکه چیزی است که خودت بنیان می‌نهی. چیزی نیست که به‌دست می‌آوری، بلکه چیزی است که به دیگران می‌بخشی.
- آن‌چه اهمیت خواهد داشت، موفقیت تو نیست، بلکه اهمیت و معنای وجودی تو است.
- آن‌چه اهمیت خواهد داشت، چیزی نیست که تو آموخته‌ای، بلکه چیزی است که به دیگران آموزش داده‌ای.
- آن‌چه مهم خواهد بود، لیاقت و توانایی ظاهری تو نیست، بلکه شخصیت و ماهیت درونی تو است.
- آن‌چه اهمیت خواهد داشت، تعداد افرادی نیست که تو می‌شناسی، بلکه به همان تعداد افرادی است که وقتی از میان آنان رفتی، کمبود وجودت را حس کنند.
- آن‌چه اهمیت خواهد داشت، خاطرات تو نیست، بلکه خاطرات آنانی است که به وجودت عشق می‌ورزیدند.

آدمی مخفی‌ست در زیر زبان...

در ادامه‌ی مطلب وبلاگی به نشانی <http://mgt.blogfa.com> آمده است:

«غزالی» در «احیاء علوم‌الدین» و در باب مهلکات وقتی به آفات زبان می‌رسد، بیش از ۲۰ آفت ذکر می‌کند؛ از غیبت و تهمت و سخن‌چینی تا پرگویی و هرزه‌گویی. هیچ عضوی از آدمی نمی‌تواند مرتکب این‌همه خطا شود. دلیل آن، این است که محصول زبان، چنان است که به محض خروج از دهان، چون تیری از کمان رها می‌شود و اختیار و کنترل آن از دست آدمی خارج می‌شود. هم‌چون آن تیر که دیگر به کمان باز نمی‌گردد، حرف نیز تأثیر خود را می‌گذارد و رفع و دفع و حذف آن ممکن نیست. تنها راه کنترل مسیر حرکت تیر حرف، دقت در نحوه‌ی استفاده از کمان عقل و فکر است. حرف، چون تیری در آن کمان گذاشته و پرتاب می‌شود. وقتی تیر حرف از کمان فکر پرتاب شد و به چشم و دل و آبروی کسی یا جمعی یا حقیقتی برخورد کرد، ویرانی به‌بار می‌آورد که دیگر قابل جبران نیست.

گردآوری: حامد کاظم‌زاده خوبی

اگر مایل هستید وبلاگ شما در این قسمت معرفی شود، با آدرس ایمیل زیر مکاتبه نمایید:

hamed.khoei@gmail.com